



هموطن برنده واقعی جام جهانی تو هستی!



آلمان که در کمال ناباوری خودش از جام جهانی به وطنش برگشت و ایران ما هم که دیگر گفتن ندارد. یوزهای ایرانی چه کردند و چه نکردند حالا سردار آزمون بماند ولی برنده واقعی جام جهانی تو هموطن ایرانی هستی که با این گرانی دلار و خرج و مخارجی که ما نتوانستیم تا همین استادیوم آزادی‌اش برویم رفتی روسیه و بازیها را از آنجا نگاه کردی! واقعا ما برای یک مطب دکتر رفتن و دندان واجمان را ترمیم کردن دودوتا چهارتا میکنیم تا یک جای ارزانتر را پیدا کنیم آنوقت تو می‌توانی به روسیه بروی صورتت را رنگ کنی و از استادیوم روسیه رونالدو را از نزدیک ببینی!! واقعا که به نظر من برنده واقعی این جام تو هستی...مخصوصا شما بهنام بانی عزیز!

ویدیو چک همان شهر فرنگ خودمان بود!

وقتی بازار جام جهانی برای مدت‌های زیادی داغ بود و هیچ بازاری با آن رقابت نمی‌کرد حیفاست آدم حرفهایش را فقط به یکی دو گزینه از جام جهانی خلاصه کند. مثلاً همین ویدیوچکی که ما از بچگی آن را شهر فرنگ میدیدیم که چشم‌انمان را میکردیم داخلش و چیزی می‌دیدیم که دیگران نمی‌دیدند گل ما را آفساید می‌بیند و کارت قرمز رونالدو را زرد می‌بیند اوضاع خیلی از ماهاست. همان دوندگی‌های میلادمحمدی



که همه گفتند بچه‌های آسمان است مثل دوندگی‌های خودمان در این زندگی است چشم‌انمان را بسته‌ایم و با تمام وجود می‌دویم اما ناکه‌مان یک نفر به راحتی مال و حالمان را از زیر پایمان برمی‌دارد تا ما چشم باز کنیم و واقعیت را ببینیم! خلاصه که ای کاش یک ویدیوچک و همان شهر فرهنگ در همه ادارات و مدارات و وزارتات و صادرات نصب می‌شد و یک داور سرش را در آن می‌کرد البته نه اینکه کارت قرمز را زرد ببیند! شهر فرنگه از همه رنگه...

خدارا شکر وضع جوانهایمان خوب است!

خیلی خوشحالیم که جوانهایمان وضع مالی خیلی خوبی دارند و می‌توانند در سن ۳۱ سالگی بروند و ۳۸ هزار سکه بخرند. جوانی که در ۳۱ سالگی ۵۳ میلیارد تومان پول دارد جوان نیست این برای خودش بانک مرکزی است! با وجود چنین جوانهایی آدم احساس نمی‌کند اصلا خودش زنده است و جوانی میکند. برای حالی کردن دل و عقده‌مان فرض را بر این می‌گیریم که همسر ایشان مهریه اش را اجرا گذاشته و این جوان بیچاره ناچار شده همه اعضا و جوارح داخلی بدنش مثل کلیه‌ها روده و دریچه آئورتش را بفروشد که بتواند ۳۸ هزار سکه مهریه همسرش را جور و مهرش را حلال و جانش را آزاد کند! آخیش دلمان خنک شد...پسرک میلیاردری!

بیمه‌ی نصفه نیمه

فقط همین را کم داشتیم که داروهای استامینوفن و سرماخوردگی و این داروهای دم دستی را از لیست پوشش بیمه خارج کنند و ثابت کنند که هر دم از این باغ بری می‌رسد...هی خبر تازه‌تری می‌رسد. جدی اینهایی که این تصمیمات را می‌گیرند، قیمت نان و گوشت را گران می‌کنند ما زندگی نمی‌کنند یا از وضع جیب ما خبر ندارند! یا ما در سرزمین آنها زندگی نمی‌کنیم؟ هنوز هم وقتی راننده تاکسی ۵۰ تومنی ندارد تا بقیه پول مرا که کرایه ۵۵۵۰ تومن است و من ۵۶۰۰ داده‌ام به من پس بدهد صدایم در می‌آید...بابا ما از آن جنس آدمها هستیم...آدمهایی که هنوز هم چشمشان به بقیه پول خردشان هست...آدمهایی که می‌روند داروخانه دست و دلشان می‌لرزد تا قیمت داروهایشان را بشنوند! آنوقت بیمه‌ی نصفه نیمه؟!?!?!

جیره بندی آب!



آنموقع‌هایی که پدر عزیزمان داد میزد مسواک زدنی شیر آب را ببند. آنموقعی که داد میزد حمام می‌روی یا آبشار نیاکار! آنموقع که دست شستنی تذکر میداد دست غول که نیست بشور شیر را ببند غر می‌زدیم که به خاطر پول قبض آب دارد این همه به ما سخت می‌گیرد...حالا که آب در بعضی استانها می‌گویند جیره بندی شده قدر شیر آب خانه را بهتر می‌دانیم و خودمان به بابایمان تذکر می‌دهیم که اگر دلت نمی‌خواهد از فردا بروی صف آب بایستی جلوی در خانه را کمتر بشور. خدا راشکر که در خانه مان کسی ماشین ندارد بخواهد آب را هدر بدهد...حالا که عکس خرید آب در بعضی شهرها منتشر شده سرمان دارد سوت می‌کشد که بالاخره از چه بگوییم و از چه نگوییم!

از پیش بینی جام جهانی تا پول ۶۰۰ میلیونی!



حرفهایمان را با جام جهانی شروع کردیم و با جام جهانی هم تمامش می‌کنیم...هر بار که فردوسی پور آمد و دستور داد ما یک عدد دورقمی برایش پیامک کنیم سریعاً برایش پیامک کردیم و به عشق همان پیامک و اعتماد به نفس خودمان و غرور از اعتماد فردوسی پور به پیش بینی ما نشستیم و همه بازیها را نگاه کردیم و همه برنامه فردوسی پور را تا آخرش دیدیم و همه گزارش‌های کارشناسی را دنبال کردیم و همه قرعه‌کشی‌ها را هم دیدیم اما در هیچ قرعه‌کشی برنده نشدیم که هیچ خدارا شکر کردیم که پیش‌بینی‌های ما نمره منفی نداشت و گرنه دوسه تا ۲۰۶ فردوسی پور بدهکار می‌شدیم...فردوسی پوری که ۶۰۰ میلیون می‌تواند هزینه ورود پویول به کشورمان کند و جلوی دوربین نیابودش و به خاطرش اشک بریزد! لاقل شبی دوتا قرعه‌کشی می‌کرد...حالا که اشک فردوسی پور دم مشکش است از ایشان خواهشمندیم که یک کمی هم برای ما گریه کند که بعد از جام جهانی برنده یک قبض بلندمدت از مخابرات و یک قبض برق از تماشای جام جهانی شدیم...به دادم برس ای اشک...دلهم خیلی گرفته...



خنده

* دوستان پرسیدن چرا از دانشگاه اخراج شدی؟ عرض کنم که دانشگاه می‌خواست من براش وقت بزارم ولی من اصرار داشتم رابطه مون یه دوستی معمولی باشه.

* بچه‌ها تو بی‌آرتی گریه می‌کرد می‌گفت کیک می‌خوام، مامانش گفت کیک نداریم الان. منم از کیفم یه کیک در آوردم جلوش خوردم تا بیشتر گریه کنه.

* رفیقمو بعد ۳ سال دیدم، جوری پیشرفت کرده بود تو زندگیش که مجبور شدم بگم حاجی من این چند سال تو کما بودم تازه خوب شدم، برا همین هیچ غلطی نخوردم.

* امتحان فقط اونجاش خوبه که شبش میگی بخوابم که صبح زود با انرژی پاشم بخونم، بعد صبح پا میشی میگی ولش کن بی خیال دوباره می‌گیری می‌خوابی.

* من دیگه نمی‌تونم تیم ملی رو فاقد کی روش تصور کنم. کم کم باید بهش بگیم با لباس سفید اومدی با کفن سفید میری.

* مامانم میگه برو تو کیف صورتیه توی کشو دوم میز ارایشیم یه جعبه اس بیار. پیدا نکردم بعد میاد از تو کابینت یه کیف قهوه ای درمیاره میگه اینهاش!

* این روزها شاهد گونه ای نادر از حیوانات هستیم که از روت تقلب میکنند ولی بهت تقلب نمی‌رسونه.

* راننده واسه خودش کولر زده بود، تا من نشستم تو ماشین کولر خاموش کرد. انگار مثلاً خودش پنگوئنه باید تو سرما باشه، من شتر بیابونم گرما رو بی‌اثره.

* تنها پیشرفتیم نسبت به سه سال پیش این بوده که اون موقع ۱۸ سالم بوده الان ۲۱ سال.